

بهار

۳۰ سال زندگی با سیمای خانواده

سراغ برنامه‌ای رفته‌ایم که حدود ۳۰ سال است با ترکیب‌های مختلف، نظر مخاطبانش را جلب کرده است

جدال «عزیز» با سردرگمی

فیلم سینمایی عزیز با دست‌گذاشتن روی مسأله عشق و آلازیم سعی می‌کند تا دیدی نو از این بیماری را به تصویر بکشد



۱۰ | <

فانوسی روشن مقاومت

عمار پانزدهم به کار خود پایان داد



۸ | <

مراقب دروغ راست باشیم

دکتر اکبر نصرالهی، استاد ارشد ارتباطات و رسانه با اشاره به پدیده تازه این روزها، از وارونگی افکار عمومی می‌گوید



۶ | <

ما جهان‌وندان کتاب به دست هستیم!



حمید هنرجو نویسنده و پژوهشگر فرهنگی

نقش کتاب و ادبیات در تولید پیام و انتقال به مخاطب، نه تنها هنوز قابل انکار نیست، بلکه پیرنگ هم هست؛ حتی در زمانه‌ای که رسانه‌های خرد و کلان در زندگی ما جهان‌وندان ظهور و بروز یافته و در جزئی‌ترین بخش‌های زیستی برای ما نسخه می‌پیچند! در کشور ما از قدیم‌الایام، کتاب و ادبیات به‌عنوان رسانه‌هایی قدرتمند و تأثیرگذار بر افکار عمومی مطرح و فعال بوده‌اند. آن دوران ما شهروند بوده‌ایم اما امروز تبدیل به جهان‌وند شده‌ایم! امروز مشخصاً به کسی که هر جایگاه علمی و مرتبه اجتماعی، در هرکجا از دنیا که می‌تواند صداهایی را بشنود و پیام‌های متنوع و مختلفی را دریافت کند و متقابلاً پیام و صدای خود را نیز به دیگران برساند؛ واسطه و ابزار و وسیله این پیام‌رسانی که قدرتمندانه و در ابعاد جهانی عمل می‌کند، حتماً قطعاً رسانه است، با همه تعاریف و شاخص‌هایی که از آن سراغ داریم.

سابق بر این، جامعه ایرانی باورش این بود که ادبیات خودش یک رسانه تنومند است و البته با نقاشی و موسیقی و سینما هم ارتباطی انکارناپذیر دارد اما به دلیل وجود عنصر قوی کلام و زبان، خودش را در رأس قدرت پیام‌رسانی قرار داده و دیگر عرصه‌ها توان رقابت با آن - یعنی ادبیات - را ندارند. تا قبل از این که سروکله رسانه‌های خرد و ابررسانه‌ها پیدا شود، این نگاه یا باور، قویاً وجود داشت، امروز اما همه این عرصه‌ها برای معرفی خود و گام‌های تازه‌ای که برداشته می‌شود، به مدد رسانی رسانه‌ها نیازمندند... البته این نیازها و اشتراکات، دوسویه است و همه این عرصه‌ها و حوزه‌ها با هم بده‌بستان دارند. مثلاً رسانه هم برای عرضه پیام به مخاطب خود، نیازمند زبان نافذ، بستن بندی خبری مناسب و رعایت ایجاز است و...

همه این‌ها را می‌پذیریم و به جهان جدید، سلام می‌کنیم اما وابستگی همین جهان جدید به فرهنگ و کتاب و ادبیات، جهان‌وند امروز را متقاعد و ملزم می‌کند که برای جذب مخاطب در رسانه و ارسال پیام تأثیرگذار، به خودش و آگاهی‌های عمیق بدهد و این ژرف‌فحشی بدون مطالعه و پژوهش، حتی یک درصد هم امکان تحقق نخواهد داشت. قیاس ظرف و مظهر را جا دارد همین‌جا خرج کنیم! آیا فرد تشنه که جسم و جان و روانش بر اثر بی‌آبی در معرض خطر است و سلول‌هایش مانند ماهی‌های تشنه و کمرق، در حال جان دادن هستند، واقعاً برایش مهم است که در چه ظرفی آب بنوشد؟ جام خالی، اما طلا یا سفالین، چه تفاوت یا اهمیتی برای او دارد؟! مهم این است که او به‌شدت تشنه است... و این تشنگی در رسانه، با نور و رنگ و صدا و سیطره‌سازی رسانه و فراوانی مخاطب و به اصطلاح امروزی‌ها در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بایبندنده و فالوئر برطرف نمی‌شود، اگر محتوای مطلوب تولید نشود به موقع نرسد، نه تنها جذب مخاطب اتفاق نمی‌افتد بلکه همان فالوئر‌ها هم یکی یکی از دست می‌روند.

پیوند هوشمندانه میان داشته‌های عظیم فرهنگی و ادبی در سرزمین ما و پدیده‌های دنیای جدید که نام بردن از آنها نیازمند فهرستی پروپیمان است و رسانه در صدر این فهرست دیده می‌شود، می‌تواند هنر سرگرم باشد. اگر ضرورت اساسی مخاطب‌شناسی را درک کرده‌ایم و می‌دانیم که مخاطبان ملی و جهانی پیام ما از این پنج گروه یعنی: زودباوران، پذیرندگان اولیه، اکثریت پیرو، اکثریت ثانویه و دیرباوران خارج نیستند، باید این توان علمی و عملی را پیدا کنیم که برای همه مخاطبان یادشده، حرف و پیام قابل عرضه داشته باشیم.

مکتب سلیمانی؛ الگوی انسان‌سازی

حاج قاسم با مدیریت، صداقت، دوراندیشی و سال‌ها تجربه زیسته‌ای که داشت به یک جریان فکری و مکتب تبدیل شد



سردار حاج علی سلیمانی نویسنده و فرهنگ‌دوست عمار پانزدهم مدیر هنرمند

پنجمین سالگرد شهادت بزرگسرد و مالک اشتر حضرت امام خامنه‌ای، شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و یاران با وفایش از جمله شهید ابو مهدی المهندس و هشت تن از همراهان آن عزیز را به ملت شریف ایران و همه اعضای مجاهد حوزه مقاومت تبریک و تسلیت می‌گویم. شخصیت حاج قاسم یک شخصیت خاص بود و به همین دلیل حضرت آقا به درستی «مکتب سلیمانی» را بر ایشان اطلاق کردند. ضمن این که اثبات شد وقتی بخواهیم مکتب سلیمانی را دنبال کنیم اثر شهید سلیمانی بسیار گسترده‌تر از حاج قاسم سلیمانی در توسعه این مکتب و تعقیب خط مجاهدت و مقاومت است.

استمرار تفکر سلیمانی در قالب مکتب سلیمانی

شهید سلیمانی شخصیتی چند وجهی و جامع‌الاطراف داشت و فقط یک وجه این منشور سابقه نظامی ایشان بود که از دوران دفاع مقدس و پس از آن در نیروی قدس به عنوان یک نخبه نظامی به اوج خود رسید و در ادامه به عنوان چهره یک نابغه در امور نظامی و امنیتی و کشتیابان امنیت و ثبات جبهه مقاومت رخ نمود. در کنار آن توانمندی‌های رشک برانگیز ایشان به عنوان یک دیپلمات به تمام معنا و تمام قد در میدان، چهره نشان داد و آنچه را که طراحی کرد و به اجرا درآورد، موجب غافلگیری و حیرت متخصصان امر در حوزه جهانی شد. پس از آن هم سال‌ها طول کشید تا اندیشه‌های نظامی در آمریکا و اروپا و رژیم غاصب بتوانند به پیچیدگی و ابعاد این طراحی‌ها پی ببرند و البته هیچ‌گاه به طور کامل موفق به چنین کاری نشدند.

این که نتوانستند در مقابل برنامه‌ها و طراحی‌های انجام گرفته اقدامی جامع و کامل انجام دهند

این بود که حاج قاسم فقط یک شخص نبود و با مدیریت، صداقت، دوراندیشی و سال‌ها تجربه زیسته‌ای که داشت به یک جریان فکری یا به تعبیر مقام معظم رهبری به یک مکتب تبدیل شد. تفکر و مکتبی که در کل حوزه مقاومت تکثیر شده و هر کسی در نقش خودش تبدیل به یک سلول از این پیکره بزرگ و گسترده در حوزه مقاومت شده بود. به همین دلیل دشمن تصور می‌کرد اگر یحیی سنوار را به شهادت برساند؛ یا سید حسن نصر...

«فخر مقاومت» را شهید کند یا بشار اسد در سوریه سقوط کند خواهد توانست هلال نورانی شیعی را به خاموشی بکشاند، غافل از این که این جریان به یک خط فکری تبدیل شده است. تفکری شیعی که از یمن آغاز شده و تا عراق و سوریه و لبنان و غزه و از طرف دیگر افغانستان و پاکستان و هند و شاید بتوان گفت بخش بزرگی از دنیا را در بر گرفته است. به همین دلیل شهید سلیمانی در فرازی از سخنان هوشمندانه‌اش به ترامپ گفت مادر همه جا حضور داریم و خیلی به تو نزدیکیم.

ستاره بی‌غروب آسمان ولایت و شهادت

امروزه مکتب سلیمانی به یک الگوی انسان‌ساز تبدیل شده است و در حقیقت تفکر سلیمانی به عنوان یک مکتب حتی در آمریکا و اروپا رسوخ کرده و اثرات مهم خود را بین جوانان و مردم جویای عدالت و انسانیت باقی گذاشته است و به تعبیر حضرت آقا بسیجی‌ها در آنجا هم نفوذ و حضور پیدا کرده‌اند، یا مثلاً در مورد شهادت سران مقاومت دشمن به گمان خودش ضربه‌ای بزرگ به جبهه مقاومت وارد کرد، این در حالی بود که شهید یحیی، افراد زیادی را چون خودش تربیت و در حوزه‌های

لحظه‌ای از ادامه این مسیر نورانی پا پس نمی‌کشند و نخواهند کشید.

این که گفتم سردار دل‌ها یک نخبه ایرانی است و باعث افتخار اسلام و ایران شده، دلیلش این است که حاج قاسم در همه ابعاد وجودی سرآمد بود؛ به گونه‌ای که در جبهه مقاومت در عراق و سوریه و لبنان و هر صحنه دیگری که حضور داشت، واقعاً رزمندگانی که از ملیت‌های مختلف حول محور مقاومت و برای دفاع از ارزش‌های اسلام عزیز گرد هم جمع شده بودند و شرایط سختی را پشت سر می‌گذاشتند، با دیدن حاج قاسم یا حتی شنیدن حضور ایشان در منطقه سرور و شادابی خاصی پیدا می‌کردند. در واقع حسی که به حاج قاسم داشتند یک حس محبت‌پدرانه بود و جالب است که حاجی در مواجهه با این عزیزان خودش را خدمتگزار آنها می‌دانست و به فرماندهان برای مراقبت از نیروها و رسیدگی به آنان بسیار سفارش می‌کرد. در حقیقت حاج قاسم دیپلماتی بود که

برای دفاع از مظلوم لباس رزم پوشیده بود.



مهربان چون یک پدر

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشته باشیم این که چون وجود ارزشمند حاج قاسم در قالب یک مکتب متبلور شده است، راه او ادامه پیدا خواهد کرد و هیچ بن‌بستی برای این مسیر نورانی قابل تصور نیست. قطعاً هر کار بزرگی پستی و بلندی و فراز و فرودهایی دارد که اجتناب‌ناپذیر است، اما مهم این است که کارهای بزرگ استمرار داشته باشد و رهروانی که یک مسیر را انتخاب کرده‌اند پای اعتقادات و تفکرات خود بایستند که در مورد

حاج قاسم عزیز چنین

است و همه یاران او